



05-Nov-2025

اولین همایش ملی الگوهای مشارکت مردمی در راستای جهش تولید

14-آبان-1404



بِسْمِ تَعَالَى

گواهی پذیرش، نتیجه داوری و صفحات در مجموعه مقالات

کد اختصاصی اثر: 31746
نام کاربری: 1349010216

با سلام و احترام؛

بدین وسیله گواهی می‌شود، مقاله با عنوان:

پیش‌نیازها، الزام‌ها و مولفه‌های توسعه جامعه از دیدگاه علی (ع)

میرعبداله مسینی - امیر مسینی - فرزاد مرادپور

در اولین همایش ملی الگوهای مشارکت مردمی در راستای جهش تولید که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه پیام‌نور (۱۴ آبان ۱۴۰۴) اجراء شده است، بررسی و داوری شده و نتیجه

آن «پذیرش به صورت ارائه پوستر» می‌باشد. ضمناً مقاله (به صورت کامل) در صفحات 191 الی 203 (تعداد کل صفحات: 13) در مجموعه مقالات همایش قرار گرفته است.

زمان ارائه: 14:00 - 13:45

مکان ارائه: سالن سه

دکتر محسن جاجرمی زاده
دبیر علمی همایش

دکتر احمد رستگار
رئیس دانشگاه پیام نور استان فارس

پیش‌نیازها، الزام‌ها و مولفه‌های توسعه جامعه از دیدگاه علی (ع)

میرعبداله، حسینی

(نویسنده مسئول) عضو هیئت علمی (دانشیار) اقتصاد بین‌الملل گروه بازرگانی خارجی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ایران، hosseini.mir2010@gmail.com

امیر حسینی

دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران، ایران hosseiniamir2010@gmail.com

فرزاد مرادپور

عضو هیئت علمی گروه بازرگانی خارجی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی fmoradpour@yahoo.com

چکیده

توسعه جامعه و موفقیت فردی سطوح عمومی و انفرادی دغدغه اندیشمندان، مکاتب و نظام‌های مادی و معنوی بوده است. نظر به اهمیت این دو مقوله، این مقاله به مطالعه تحقق آن از دیدگاه علی (ع) می‌پردازد. مطالعه حاضر از نوع بنیادی و شیوه گردآوری اطلاعات با استناد از نهج‌البلاغه (بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه) انجام شده است. تحقق توسعه جامعه نیازمند توأمی نظر و عمل است که در سیره علی (ع) به صورت عدالت، کار و تلاش، توسعه انسانی و اخلاقی جامعه هویدا است. از مولفه‌ها، ارکان، سنج و شاخصه‌های ۱۰ گانه احصاء شده از جمله برنامه عمل مبتنی بر نظم و برنامه‌ریزی، مشورت با صاحبان تجربه، خرد و آگاهی، بهترین استفاده از تجربه‌های کسب شده، همتی عالی و اراده قوی، مراوده با صالحان و اهل خیر/ خواه، هدف و رسیدن به آن با تمام توان، تلاش و کوشش وافر و جدی، کانون مستحکم بنیان خانواده، استفاده بهینه از فرصت‌ها، و مهم‌تر از همه تقوا، و توفیق‌الهی توجه و اهتمام ویژه داشت.

کلمات کلیدی: مولفه‌ها، شاخصه‌ها، توسعه جامعه، مشورت، برنامه عمل، خانواده، نهج‌البلاغه، دیدگاه علی (ع).

۱. مقدمه

انسان موجودی کمال جو است که برای رسیدن به این کمال همه امکانات در اختیار او قرار گرفته است. «وسخر لکم ما فی السموات وما فی الارض جمیعا منہ» (جاثیه/۱۳) «و آنچه در آسمانها و زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخت.» [۲۰] بی شک در اختیار گرفتن همه امکانات بدان جهت است که انسان مراتب کمال را به صورت صعودی طی کند و بیش از پیش به موفقیت‌هایی چه در ابعاد مادی و چه معنوی دست یابد. برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های مورد نظر و چشیدن طعم شیرین موفقیت، شرایط و عواملی لازم است تا در سایه بکار بستن آنها، بهتر بتوان به آن اهداف دست یافت. در این نوشتار از عواملی سخن گفته شده است که از منظر علی (ع) ما را در رسیدن به موفقیت فردی و توسعه جامعه کمک می‌کند.

علی (ع) دارای بیشترین شناخت از رب (مربی)؛ الله است. برای موفقیت در زندگی هر انسانی باید اصول و قوانین پایه را بداند. این اعتقادی است که تمام افراد بزرگ و سخنرانان موفق همچون جیم ران که استاد برایان تریسی و آنتونی رابینز و ماکسول به آن اشاره و توجه خاصی دارد. این قوانین پایه، برای موفقیت و رشد در زندگی از بزرگان دینی و کتاب قرآن و نهج البلاغه قابل استخراج است (در این مورد جوینده یابنده است). در ادامه در راستای ارایه نقشه راه در دو سطح فردی و جامعه؛ موفقیت فردی و توسعه جامعه نکاتی برای موفقیت از دیدگاه علی (ع) تقدیم می‌شود که از منابع مختلف جمع‌آوری شده است.

۲. علی (ع) از نگاه اندیشمندان جهان

تاریخ گذشتگان آینه را می‌ماند که زشت و زیبایی حوادث و اعمال گذشته را برای آیندگان منعکس می‌کند و خردمندان می‌توانند از آنها درس‌ها بیاموزند و بهره‌ها ببرند و از عواقب و پی‌آمدهای سوء آن عبرت‌ها بگیرند و پندها اخذ نمایند و از این رو در قرآن کریم نیز به پاره‌ای اعمال و اخلاق و عقاید زشت و زیبای پیشینیان اشاره‌هایی شده است و با توجه به نتایج نیک و بد آنها، تذکر و امر و نهی انجام گرفته است. در این میان، تاریخ و شرح حال بزرگان عالم و شخصیت‌ها و عالمان برای هر کس بهترین سرمشق و عالی‌ترین الگوی زندگی است. در متن تاریخ، شرح زندگی علی مثل اعلای اسلام و جزء نادر شخصیت‌های جهان انسانیت، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است؛ زیرا مطالعه زندگانی حضرت روح فضیلت، پاکی، ایمان، تقوی، زهد، فداکاری، استقامت، شجاعت، فتوت و پیروی از حق و حقیقت را در خواننده تقویت می‌کند [۶].

علی آن راد مرد بزرگ اسلام که تاریخ، او را به جهانیان معرفی می‌کند، در عین حال خودو سراسر زندگی برای جهانیان سازنده تاریخ و پدید آورنده آن می‌باشد. نام مبارک آن حضرت را نمی‌توان در ردیف نام‌های عادی تاریخ نوشت؛ چراکه نام مبارک ایشان درخشان‌ترین نام تاریخ بشری بعد از پیامبر اسلام قرار گرفته، تاریخ اسلام هرچه فضیلت، روشنائی و افتخار، مشقت و مرارت دارد، اغلب به نام آن حضرت شروع و به نام ایشان خاتمه می‌یابد و آن حضرت افتخار تاریخ بنی‌آدم است. علی (ع) پس از پیامبر مظهر توحید و نشانه قدرت ذات لایزال حق قرار گرفته، بسیاری از کلمات را ترجمه و معنی نموده که اگر قدم به جهان هستی نمی‌گذاشت آن کلمات بدون مصداق اتم باقی می‌ماند. از جمله غیرت، شجاعت، سخاوت، صداقت، کرامت، عفو، زهد و تقوی و نظایر آن. خلاصه علی (ع) قرآن ناطق و زبان گویای الهی است که با کردار، رفتار و گفتار خود حق خدا را به مردم نشان می‌دهد و مردم را با حق خدا آشنا می‌سازد؛ چون او با حق است و حق با او است. در این مورد، نیاز تبریزی، چه زیبا گفته است:

ای ذات پاکت آینه ذات ذو الجلال

ای مظهر صفات خداوند بی‌مثال

علی مرات جمال ذات ذوالجلال و آیینه تمام‌نمای احدیت است. محمدحسین بهجت تبریزی مخلص به شهریار چه خوب گفته: دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

عمان سامانی چنین گوید (گنجینه اسرار): به پرده بود جمال جمیل عزّ و جلّ به خویش خواست که جلوه به صبح از ل چو خواست آن که جمال جمیل بنماید علی شد آیینه، خیرالکلام قلّ و دلّ من از مفصلّ این نکته مجملی گفتم تو خود حدیث مفصلّ بخوان از این مجمل

اگر یک فرد محقق و نویسنده توانایی پیدا شود که پس از تحقیقات فراوان درباره فضایل، زندگانی، و در شناخت آن حضرت، کتابی یا کتاب‌هایی بنویسد و بعد گمان کند که توانسته حقیقت مطلب را درباره آن راد مرد بیان نموده، یقیناً راه خطا رفته و اشتباه بزرگی نموده و خود را فریب داده و احیاناً رسوا ساخته است. چون درک عمق معنویت و کنه فضیلت ولید کعبه علی کار بسیار مشکل و محالی است. چنان که مورخ نامی ابوالفرج اصفهانی گوید: فضایل علی هرگز در حوصله ارقام شمارش، نمی‌گنجد (مقاتل الطالبین: ۱۶)؛ آری، سخن وی درست زیرا آن حضرت در خطابه خود به چنین مطلبی اشاره می‌نماید: من همان کوه بلندی هستم که نهرهای فضیلت و دانش از آغوشم جاری شده و سیل آسا فروریخته و مرغزار زندگی را که در پناه من دامن گسترده است، سرسبز و سیراب می‌کند؛ اما هیچ مرغ بلندپروازی نمی‌تواند بر بالای قلّه‌ام آشیان گیرد؛ چرا که شاهباز فکر بشر را پروازی بدین اوج و بلندی میسر نیست [۶] (شرح نهج البلاغه، جواد فاضل، خطبه ۳: شقشقیه).

سیمرغ و هم را نبود قدرت عروج آن جا که باز همت او سازد آشیان [۱۹] (حافظ)

آری شناخت کامل علی بر هیچ کس، جز خدا و پیامبرش امکان‌پذیر نمی‌باشد به طوری که رسول اکرم فرمود: ای علی جز خدا و من کسی آن طور که باید و شاید تو را بشناسد، نشناخت [۱۳] (بحار، ج ۳۹: ۸۴).

بعد یزدان هیچکس نشناخت قدرت جز رسول خود کلام الله گویایی، ندانم کیستی

ابن ابی الحدید معتزلی می‌گوید: علی و فضل او مانند مشگ است که هر چه او را بپوشانی باز بوی عطر آن به مشام می‌رسد و همچون خورشید تابانی است که با کف دست جلو آن را نمی‌توان گرفت و مثل روشنی روز است که اگر چشم یک نفر آن را نبیند دیدگان آن را خواهد دید. صائب گفته: گرگنی پنهان گهر را زیر دامان صدف/ سر برون آرد ز شوخی از گریبان صدف پری رو تاب مستوری ندارد / در آر بندی ز روزن سر در آرد [۱۹].

بالاخره می‌گوید: من نمی‌دانم درباره مردی که تمام فضایل انسانی به او منتهی می‌شود و او منشاء فضایل و چشمه تمام مناقب است و کلیه فرقه‌های اسلامی خود را به وی منسوب می‌کنند، چه بگویم؟ [۶] (شرح حدیدی، ج ۱: ۱۷، ط جدید).

آری این همان علی است که دنیا او را نشناخت و حقیقت وی را درک نکرد، و عده زیادی از مردم زمانش نتوانستند شدت عدالت او را تحمل نمایند و عاقبت با دست جانی‌ترین افراد بشری به شهادت رسید. این همان عابد اسلام است که از لحاظ عبادات از همه کس عابدتر و نماز و روزه‌اش از همه بیشتر و پرمحتواتر بود، او خدا را می‌دید و عبادت می‌کرد، چنانکه از او سوال شد: آیا پروردگارت را دیده‌ای؟ در پاسخ فرمود: چگونه آنچه را نمی‌بینم به آن ستایش کنم؟

مقصود امام از دیدن باری تعالی نه مشاهده ذات او به چشم ظاهری است، بلکه دیده دل را اراده نموده زیرا آن حضرت در اثر تزکیه و طاعت حق، خود را چنان به مرتبه اعلای بندگی رسانیده بود که با مشاهده آثار و نشانه‌های ذات ذوالجلال به تماشای ذات احدیت بر می‌خواست شاعر چه زیبا گفته است: با صد هزار جلوه برون آمدی که من/ با صد هزار دیده تماشا کنم ترا

این همان صاحب یقینی است که بر یقین او حدّ و مرزی نمی‌باشد؛ چراکه فرموده: اگر پرده برداشته شود، چیزی به یقینم افزوده نمی‌شود. این همان علی است که جدال و تصادم افکار و عقول درباره او تا حدّی است که یک دسته خدایش می‌خوانند و دسته دیگر کافر و مطرودش می‌دانند و خود آن حضرت خوب فرمود: قومی از افراط در محبت و جمعی از تندروی در دشمنی من، در آتش قهر خداوند خواهند سوخت [۱۷] (مرد نامتناهی، ص ۱۰ در انساب‌الاشراف ج ۲: ۱۲۱). یعنی چنان در نردبان عزت رتبه آن حضرت بالا رفته که گمان نموده شده، آنها با خدا قرین هستند فضل و عظمت آنان را با انبیای بزرگ هرگز مقایسه مکن؛ چرا که سلمان آنها را اگر به صیغه تصغیر خوانی، سلیمان می‌شود. این همان خداپرستی که رضا نداد در برابر خدا، علی پرستی به وجود آید؛ یعنی چنان خود را در معنویت و وحی تزکیه و جوهر وجودش را مهذب ساخته بود که توانست علی پرستی را از بین برده و مرام توحید و خداپرستی را در روی زمین پایدار نماید و بشرپرستان را قبل از آتش آخرت با آتش دنیا بسوزاند.

این همان دانشمند بی‌نظیر و خطیب توانایی است، که خطابه‌های اعجاز‌آمیز او از کلام خدا پایین‌تر و از کلام آدمی فراتر است. او خلاق سخن است که کلمات گهربارش چون صدف‌هایی در برابر صف بسته و فصاحت و بلاغت او چون هیبت و صلابتش تکان دهنده بود. به هر حال مصائب و مناقب و فضایل علی به قدری است که در این مجال مختصر جای گنجایش همه آنها نیست. آری در مدح و ستایش آن کسی که خدایش ثناخوان او است، چه می‌توان گفت؟

بیش از این با خلق گفتن روی نیست بحر را گنجایش اندر جوی نیست

و لازم است دامن سخن را در فضایل آن حضرت کوتاه و گزیده نمود، گرچه دریای فضائل و مناقب آن حضرت در حوصله این مجال مختصر نمی‌گنجد به قول شاعر: نشاید باد را در بر گرفتن / نه دریا را به مشت می‌توان گرفتن

چرا که زبان هر گوینده به هر عنوان چه به شعر، چه به نثر، از شرح همه فضایل آن حضرت عاجز و ناتوان است، چه می‌توان گفت درباره مردی که به حق او را میزان حق و باطل و فوق حدّ و وصف و رای و شرح نامیده‌اند.

شهنشاه من مداحیت به آن ماند که ذره دهد از نور آفتاب خبر

کسی که ضربت از تیغ او به قول رسول بود ز جمله عبادات انس و جن بهتر

زهیج کلک و بیان، وصف او نیاید راست مگر ز کلک و بیان خدا و پیغمبر

یا به قول صائب: زبان شکسته ترم از قلم نمی‌دانم که شرح آن به کدامین زبان کنم تقریر

ارباب دانش و روات اخبار در فضائل و مناقب ابعاد شخصیتی آن حضرت کتاب‌ها نوشته و کتابخانه‌ها آراسته و تحقیقات دامنه‌دار و تتبعات وسیعی نموده‌اند و آنچه لازم گفتن و نوشتن بوده گفته و نوشته‌اند. در این باره الحق کتاب نفیس الغدیر علامه امینی رتبه نخست را داراست، اگرچه آثار و مولفات ارجدار دانشمندان دیگر نیز در این زمینه قابل وصف و لایق تمجید است به‌ویژه اکثر آنها و خصوصاً الغدیر که در این نگارش الهام‌بخش بوده و مورد استفاده قرار گرفته است [۷]، [۸] و [۱۵].

گفتنی است آنچه را که گفته‌اند و نوشته‌اند هر چه باشد اندکی از بسیار و مشت می‌تواند از خروار است. چرا که علی مرد نامتناهی و یا مانند اقیانوس بیکران است که مفردات فضائل و مناقب او به گوهرهای ثمین و لالی درخشانی می‌ماند که نویسندگان حالات و فضایل آن حضرت، مانند غواصان گوهرجو و جوهریاب هستند که با غور نمودن در آن دریا، جوهرهای خوشاب و لالی درخشان

و درهای غلتان را هر کس به فراخور استعداد و توان خود جمع‌آوری نموده و به صورت کتاب و نوشته‌ای به علاقمندان عرضه می‌دارد و با این وصف، برای نسل آینده از آن سهمی نیز باقی مانده است که هنوز کسی به آن دست نیافته است.

ز هر طرف که شناور شوی در این دریا بشو که لولو مرجان در او چه بسیار است

ناصر خسرو نیز خوب گفته است: اندر این دریاست همه گوهر لولو غواص طلب کن چو روی بر سر دریا

یا به گفته سعدی: پای ملخی پیش سلیمان بردن عیب است ولکن هنر است از موری

یا به گفته ابن یمین: تو سلیمان و من مورم و جز مور ضعیف نزل پای ملخی نزد سلیمان که برد

حافظ چه خوب گفته: پیر ما گفت خطا از قلم صنع نرفت آفرین بر نظر پاک خطا پوشش داد

در ادامه نتایج و بحث روی نتایج دربرگیرنده مولفه‌ها و ارکان بیش از ده گانه راز و رموز موفقیت و رشد فردی و توسعه جامعه از دیدگاه علی (ع) ارائه می‌شود [۱۲]، [۱۴] و [۱۸].

۲-۳. نتایج و بحث روی نتایج

۱. **توفیق الهی:** هر انسانی در انجام کارها، نیازمند عنایت و توفیق از جانب خداوند عالمیان است و تا لطف الهی شامل حال او نشود، موفق به انجام کارها نخواهد شد و هر کوششی بدون توفیق الهی صورت گیرد، سودی نخواهد داشت. علی (ع) فرمودند: «لا ینفع اجتهاد بغیر توفیق؛ کوششی که با توفیق همراه نباشد سودی ندارد.» [۱۰] (غرر الحکم، شماره ۴۰۰۲)

از سوی دیگر هر کسی برای رسیدن به هدف و آرزوی خود نیازمند راهنماست، تا در طول مسیر او را همراهی کند. توفیق الهی بهترین راهبری است که انسان را به سوی خوبی‌ها و کارهای خدا پسندانه رهبری می‌کند. به فرمایش علی (ع): «لا قائد خیر من التوفیق؛ راهنمایی بهتر از توفیق وجود ندارد.» [۱۱] بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۹۴، حدیث ۳۴.

سفرای الهی نیز خود را بی نیاز از توفیق الهی نمی‌دانستند و در همه حال از خدای منان خواهان آن بودند.

قرآن کریم از قول شعیب (ع) می‌فرماید: «وما توفیقی الا بالله؛ توفیق من جز به خدا نیست.» [۲۰] (هود/۸۸)

علی (ع) در پاسخ به نامه‌ای به معاویه فرمودند: «وما توفیقی الا بالله؛ توفیق من جز به خدا نیست.» [۱۱] (نهج البلاغه، نامه ۲۸).

البته داشتن توفیق الهی نیازمند تلاش و کوشش است و تا تلاشی صورت نگیرد، خواستن توفیق الهی نه تنها پسندیده نیست، بلکه نوعی خویشتن را به سخره گرفتن است، چنان که حضرت رضا (ع) فرمودند: «من سال الله التوفیق ولم یجتهد فقد استهزء بنفسه؟ کسی که از خداوند توفیق را مسئلت نماید، ولی کوشش نکند، خود را به تمسخر گرفته است.» [۱۳]. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۶، حدیث ۱۱).

۲. **دین‌داری و تقوی الهی:** اطاعت از خداوند و دینداری، اولین پایه رستگاری است. رسول اکرم اسلام (ص) همین که برای اولین بار در میان مردم ظاهر شد و بعثت خود را آشکار کرد، فرمود: مردم، بگویید «لا اله الا الله» تا رستگار شوید. علی (ع) نیز

از خداوند سلامت در دین را طلب می‌نمود و می‌فرمود: «نساله المعافاة فی الادیان کما نساله المعافاة فی الابدان»؛ از او سلامت در دین را خواهانیم آن گونه که تندرستی را از او درخواست داریم.» [۱۱] (نهج البلاغه، خطبه ۹۹).

دینداری و تقوای الهی از جمله عواملیست که انسان را در رسیدن به آرزوهای دنیوی و اخروی و کسب موفقیت‌ها کمک می‌کند. علی (ع) در این باره می‌فرماید: «فان تقوی الله مفتاح سداد وذخیره معاد و عتق من کل ملکه و نجاه من کل هلکه؛ همانا ترس از خدا کلید هر در بسته، و ذخیره رستخیزو عامل آزادگی از هر گونه بردگی و نجات از هر گونه هلاکت است.» [۱۳] (همان، خطبه ۲۳۰).

علی (ع) در جای دیگری درباره نقش تقوی و دین‌داری در رساندن انسان به اهداف و رفع مشکلات می‌فرماید: «فمن اخذ بالتقوی غربت عنه الشدائد بعد دنوها واحلولت له الامور بعد مرارتها وانفجرت عنه الامواج بعد تراکمها واسهلت له الصعاب بعد انصابها وهطلت علیه الکرامه بعد قحوظها وتحذبت علیه الرحمه بعد نفورها وتفجرت علیه النعم بعد نضوبها ووبلت علیه البرکه بعد ارذاذها؛ پس کسی که تقوا را انتخاب کند، سختی‌ها بعد از نزدیک شدنشان، از او دور گردند، و کارها پس از تلخی‌ها برای او شیرین و امواج مشکلات پس از متراکم شدن بر طرف خواهند شد و مشکلات پس از آنکه او را وامانده کرد آسان می‌شود و مجد و بزرگی از دست رفته [چون قطرات باران] بر او فرو می‌بارند، رحمت بازداشته [حق] به او باز می‌گردد، و نعمت‌ها [ای الهی] پس از فرو نشستن، برای او به جوشش می‌آیند و برکت تقلیل یافته برای او فزونی گیرد.» [۱۳]. (همان، خطبه ۱۹۸).

۳. استفاده بهینه از فرصتهای زندگی: برای هرکسی در زندگی فرصتهایی پیش می‌آید که گاه در اثر جهل و عدم آگاهی، بی‌توجهی از کنار آن گذر می‌کند. فرصت‌ها چون ابر بهاری در گذرند^۱ (نهج البلاغه، حکمت ۲۱) که با از دست رفتن جز غصه چیزی بر جای نمی‌گذارند^۲. اگر انسان به موقعیت‌های بدست آمده، بیشتر توجه کند و متوجه باشد که برای هر چیزی وقت مشخصی است و سرآمدی معین^۳، از ثانیه ثانیه‌های این فرصتها، بهترین استفاده را می‌کند [۱۳] (همان، خطبه ۱۹۰). استفاده بهینه از فرصت‌های به دست آمده و کار امروز را برای فردا نگذاشتن و حساسیت روی ثانیه‌های عمر داشتن، از جمله عواملی است که موجب موفقیت انسان در تمامی زمینه‌ها در مسائل اجتماعی-سیاسی و مسائل معنوی می‌شود. علی (ع) درباره این رمز موفقیت چندین نکته را متذکر می‌شوند:

الف) ضرورت استفاده از فرصت‌های نیک علی (ع) می‌فرماید: «کل معاجل یسال الانظار وکل مؤجل یتعلل بالتسویف؛ آنان که وقتشان پایان یافته خواستار مهلتند و آنان که مهلت دارند کوتاهی می‌ورزند.» [۱۱] (نهج البلاغه، حکمت ۲۸۵).

پس آنان که هنوز حسرت فرصت‌های از دست رفته را نخورده‌اند، به هوش باشند و چنان صیادی تیز بین و زبردست، اگر طالب موفقیت هستند لحظه به لحظه فرصت‌های به دست آمده را صید کنند.

ب) لزوم عمل در ایام فراغت و سلامت جسم حضرت فرمودند: «فلیعمل العامل منکم فی ایام مهله قبل ارهاق اجله وفی فراغه قبل اوان شغله وفی متنفسه قبل ان یؤخذ بکظمه؛ هر کس از شما که اهل عمل است باید عمل کند در روزگاری که مهلت دارد پیش از آنکه مرگ فرا رسد و در ایام فراغتش پیش از آنکه گرفتار شود و در ایام رهایی‌اش پیش از آنکه گلوگاه او [به وسیله مرگ] گرفته شود.» [۱۱] (همان، خطبه ۸۶).

^۱ الفرصه تمر مر الصحاب فانتهزوا فرص الخیر؛ فرصتها همچون عبور ابرها می‌گذرد، بنابراین فرصتهای نیک را غنیمت بشمارید.

^۲ اضاعه الفرصه غصه؛ از دست دادن فرصت غم انگیز است.

^۳ فان لكل شیء مدة واجلا؛ هر چیزی وقت مشخصی دارد و سرآمدی معین.

ج) سعی در استفاده هر چه بیشتر از فرصت‌ها در زندگی هراسانی، فرصت‌های اندکی پیش می‌آید که اگر خوب استفاده شود، یک عمر از آن بهره‌برداری می‌شود. پس از موقعیت‌های به دست آمده باید با حداکثر توان بهره جست که غروب طلایی هر روز را فقط یک بار می‌توان تجربه کرد: سعدیا دی‌رفت، فردا همچنان موجود نیست/درمیان این و آن فرصت شمار امروز را

علی (ع) در این باره فرمودند: «بادروا بالاعمال عمرا ناکسا او مرضا حابسا او موتا خالسا؛ بسوی اعمال نیکو بشتابید پیش از آنکه عمرتان پایان پذیرد یا بیماری مانع شود و یا تیر مرگ شما را هدف قرار دهد.» [۱۱] (همان، خطبه ۲۳۰).

گوهر وقت بدین تیرگی از دست مده
باطل نکند عمر گرامی پروین
شاخک نو رسته که در باغ وجود
وقت رستن هوس نشو و نمایی دارد (پروین اعتصامی)

۴. نقش کانونی خانواده: خانواده به عنوان اولین کانونی که شخصیت انسان در آن شکل می‌گیرد، دارای اهمیتی خاص است. والدین که در تربیت اولاد، هسته مرکزی مجموعه عظیم خویشاوندان را تشکیل می‌دهند، با الگودهی مناسب و فراهم کردن فضایی مطلوب در خانواده، نقش بسزایی در شکل‌گیری و شکوفایی استعدادهای اعضای خانواده ایفا می‌کنند. مسیر خوشبختی و یا خدای نکرده عکس آن، در خانواده پی‌ریزی می‌شود که البته نقش تک تک اعضاء خانواده قابل توجه است. علی (ع) خویشاوندان را به بال‌هایی تشبیه می‌کند که انسان را در صعود به اهداف عالی کمک می‌کنند و در صورت نبود یا قطع رابطه با آنان، انسان در رسیدن به آرزوها و اهداف تعیین شده دچار مشکل می‌شود. آن حضرت می‌فرماید: «واکرم عشیرتک فانهم جناحک الذی به تطیر واصلک الذی الیه تصیر ویدک التی بها تصول؛ خویشاوندان را گرامی دار، زیرا آنها پر و بال تو می‌باشند که با آن پرواز می‌کنی و ریشه تو هستند که به آنها باز می‌گرددی دست [نیرومند] تو می‌باشند که با آن حمله می‌کنی.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

علی (ع) درباره نقش اساسی این کانون گرم در رساندن انسان به هر موفقیتی فرمودند: «ایها الناس انه لا یستغنی الرجل وان کان ذا مال عن عترته ودفاعهم عنه بایدیهم والسنتهم وهم اعظم الناس حیطة من ورائه والمهم لشعته واعطفهم علیه عند نازلة اذا نزلت به؛ ای مردم، انسان هر مقدار که ثروتمند باشد، از خویشاوندان خود بی‌نیاز نیست که از او با زبان و دست دفاع کنند. خویشاوندان انسان، بزرگترین گروهی هستند که از او حمایت می‌کنند و اضطراب [و ناراحتی] او را می‌زدایند، و در هنگام مصیبت‌ها، نسبت به او پرعاطفه ترین مردم می‌باشند.» [۱۱] (همان، خطبه ۲۳)

۵. تلاش و کوشش: برای مقابله با مشکلات و پیروزی بر آنها، اراده‌ای آهنین لازم است تا انسان از نیروهای نهفته در وجود خود، بیشترین بهره را ببرد. دست روی دست گذاشتن هنر نیست، چراکه مردان بزرگ در سایه سعی و تلاش، قلله‌های پیروزی را فتح می‌کنند. سعی و تلاش از جمله عواملی است که انسان را در رسیدن به اهداف و خواسته‌هایش کمک می‌کند. علی (ع) همگان را به تلاش فرا می‌خواند و می‌فرماید: «فعلیکم بالجد؛ بر شما باد تلاش و کوشش.» (همان، خطبه ۲۳۰). چرا که «لا یدرک الحق الا بالجد؛ حق جز با تلاش و کوشش بدست نمی‌آید.» (همان، خطبه ۲۹). حضرت در توصیه‌ها به فرزندش مجتبی (ع) فرمودند: «فاسع فی کدحک؛ نهایت کوشش را در زندگی داشته باش.» [۱۱] (همان، نامه ۳۱).

دلیل این امر این است که عاقبت، هر جوینده‌ای یابنده است. «من طلب شیئا ناله او بعضه؛ آن کس که در تلاش و طلب چیزی باشد، یا به همه آن و یا لاقط به قسمتی از آن دست خواهد یافت.» [۱۱] (همان، حکمت ۳۸۶).

علی (ع) گاه جهت به راه انداختن انسانها برای فعالیت تلاش در زندگی، از تلاش موجودات دیگر مثال می‌زند تا همگان از کار و فعالیت آنها درس تلاش بگیرند و در زندگی خود جدیت داشته باشند. در یکی از خطبه‌ها، از تلاش و فعالیت مورچه سخن

می‌گوید: «انظروا الی النملة فی صغر جثتها... کیف دبت علی ارضها وصبت علیرزقها تنقل الحبة الی حجرها وتعدھا فی مستقرھا، تجمع فی حرھا لبردها وفی وردها لصدرها؛ به مورچه و کوچکی جثه آن بنگرید... که چگونه روی زمین راه می‌رود و برای به دست آوردن روزی خود تلاش می‌کند؛ دانه‌ها را به لانه خود منتقل می‌سازد و در جایگاه مخصوص نگه می‌دارد، در فصل گرما برای زمستان تلاش کرده، و به هنگام درون رفتن، بیرون آمدن را فراموش نمی‌کند.» (همان، خطبه ۱۸۵).

گاه حضرت فرزندش مجتبی (ع) را به تلاش در جهاد فرا می‌خواند که «وجاهد فی الله حق جهاده ولا تاخذک فی الله لومة لائم؛ در راه خدا تا سرحد توان تلاش کن و هرگز سرزنش سرزنش‌گران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد.» (همان، نامه ۳۱).

سیره عملی علی (ع) چه در کار و فعالیت سیاسی و چه در فعالیتهای اجتماعی، بر تلاش و کوشش استوار بود. برای هر کسی که ادعای پیروی حضرتش را دارد لازم است به مولایش تاسی کرده، تا آخرین توان تلاش کند تا در سایه این تلاشها از عمر خویش بهترین استفاده را بکند و راه موفقیت را برای خود هموار گرداند.

جهد را بسیار کن، عمر اندکی است کار را نیکو گزین، فرصت یکی است

کاردانان چون رفو آموختند پاره های وقت بر هم دوختند

عمر را باید رفو با کار کرد وقت کم را با هنر، بسیار کرد

کار را از وقت، چون کردی جدا این یکی گردد تباه، آن یک هبا [۱۹] (پروین اعتصامی)

۶. داشتن هدف: داشتن هدف در زندگی از لوازم اصلی حیات سعادت‌مندانه و معنادار است. انسان زمانی امنیت‌خاطر و آرامش دارد که افق روشنی برای آینده خود ترسیم کند و با انگیزه و رضایت درونی برای رسیدن به آنچه در آن افق مدنظر دارد، تلاش کند. بدترین عادت برای آدمی، زمانی است که احساس سرگردانی کند و بلا تکلیف بماند. هم چنان که همه مخلوقات از بزرگترین آنها گرفته تا کوچکترین موجودات، بر پایه هدفی خلق شده‌اند، انسان هم—که اعجوبه خلقت است—در این چرخه هستی بدون هدف نیست. به فرمایش علی(ع): «فما خلق امرؤ عبثاً؛ کسی بدون هدف و بیهوده آفریده نشده است.» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۷۰)

انسان که بدون هدف خلق نشده، کارها و اعمالش باید بر پایه هدفی صورت بگیرد. در این عمر کوتاه زندگی، رسیدن به همه اهداف و آرزوها ممکن نیست، بنابراین باید هدفی را که ارزشمندتر است انتخاب نمود. اگر اهداف متفاوت و متعدد دنبال شود نتیجه‌ای جز شکست و ناکامی نخواهد داشت: «من اوما الی متفاوت خذلته الحیل؛ کسی که به کارهای مختلف پردازد، نقشه‌ها او پیش بینی‌هایش [به جایی نمی‌رسد.» و اگر بجایی هم رسید مسائل مهمتر را ضایع خواهد کرد (همان، حکمت ۴۰۳)، چنان که علی (ع) فرمودند: «من اشتغل بغير المهم ضیع الاهم؛ کسی که به امور غیر مهم پردازد، مسائل مهم تر را ضایع می‌سازد.» [۱۰] (غررالحکم، شماره ۱۰۹۴۴).

کسی که دنبال موفقیت در کارهاست باید در ابتدای امر، هدف خود را مشخص کند و بعد از اینکه مهم‌ترین هدف را شناسایی کرد، با تمام توان جهت رسیدن به آن تلاش نماید، چرا که موفقیت انسان در کارهایی است که فکر و اندیشه را در همان کار بکار می‌گیرد. علی (ع) فرمودند: «ان رایک لا یتسع لکل شیء ففرغه للمهم؛ فکر تو وسعتی که همه امور را فرا بگیرد ندارد، پس آن را برای امور مهم فارغ بگذار.» (همان، شماره ۵۵۵). البته به این نکته نیز باید توجه کرد که انسان برای رسیدن به هدف مجاز نیست از هر وسیله‌ای استفاده کند. به دیگر سخن هیچ وقت هدف وسیله را توجیه نمی‌کند، علی (ع) در این زمینه فرمودند:

«ما ظفر من ظفر الاثم به والغالب بالشر مغلوب؛ کسی که گناه به وسیله او پیروز شود، پیروز نیست و کسی که با بدی غلبه کند، شکست خورده است.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷).

۷. داشتن همتی عالی و اراده‌ای قوی: از نیروهای نهفته در وجود انسان، قوه اراده است که اگر به پرورش و تقویت آن پرداخته شود، بسیاری از مشکلات روحی و جسمی را می‌توان درمان نمود. داشتن اراده‌ای قوی و همتی عالی، از نشانه‌های مؤمن است. علی (ع) در بیان صفات مؤمن می‌فرماید: «بعید همه؛ همتش بلند است.» (همان، حکمت ۳۳۲). علی (ع) قدر هر انسانی را به اندازه همتش می‌داند و می‌فرماید: «قدر الرجل علی قدر همته؛ قیمت و ارزش آدمی به قدر همت اوست.» (همان، حکمت ۴۷).

همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده اند

همت بلند دار که نزد خدا و خلق باشد به قدر همت تو اعتبار تو (ابن یمین)

از نکات قابل توجه در این بحث این است که بلند همتی با تن پروری سازگار نیست. طالب موفقیت باید خود را از تن پروری بدور کند و با تمام توان خود، به تلاش و کوشش بپردازد.

علی (ع) می‌فرماید: «فشدوا عقد المازر واطووا فضول الخواصر ولا تجتمع عزيمة ووليمة؛ پس کمربندها را محکم ببندید و دامن همت بر کمر زنید که به دست آوردن ارزشهای والا با خوشگذرانی میسر نیست.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱)

همچنین باید از همراهی با انسانهای دون همت و بدون پشتکار پرهیز کرد و بر آنها تکیه نزد. آن حضرت توصیه کردند: «ولا تامنن ملولا؛ بر آنکس که پشت کار ندارد تکیه مکن.» (همان، حکمت ۲۱۱).

آفت دونان به عالی همتان هم می‌رسد دایما از کج نهادن پای سر دارد خطر (لامع)

۸. داشتن دوست اهل، صالح و خیرخواه: خداوند انسان را موجودی نیازمند به غیر خلق کرده است یعنی جامعه انسانها طوری است که هر کسی به دیگری محتاج است. در این میان نقش گروه همسالان و به خصوص دوستان حساس و خطیر است. درباره نقش دوستان همین نکته کافی است که شخصیت هر انسان را در اجتماع با دوستان او می‌سنجند، همچنان که علی (ع) فرمودند: «فان الصاحب معتبر بصاحبه؛ هر کس را از آن که دوست اوست، می‌شناسند.» (نهج البلاغه، نامه ۶۹).

شکی نیست که دوستان هر انسانی، اساسی‌ترین نقش را در موفقیت او ایفا می‌کنند و گاهی در اثر کم توجهی و یا بی توجهی، همین دوستان به اصطلاح صمیمی، مایه بدبختی و هلاکت می‌شوند. علی (ع) فرزند خود را از مصاحبت با دوستان ناباب برحذر می‌دارند و می‌فرماید: «یا بنی ایاک ومصادقه الاحمق فانه یرید ان ینفک فیضرک وایاک ومصادقه البخیل فانه یقعد عنک احوج ما تکون الیه وایاک ومصادقه الفاجر فانه یبیعک بالتافه وایاک ومصادقه الکذاب فانه کالسراب، یقرب علیک البعید ویبعد علیک القریب؛ فرزندم! از دوستی با احمق پرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیانت می‌کند، از دوستی با بخیل پرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد. و از دوستی با بدکار پرهیز که با اندک بهایی تو را می‌فروشد. و از دوستی با دروغگو پرهیز که او به سراب بماند؛ دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو دور می‌نمایاند.» (همان، حکمت ۳۸).

تا توانی می‌گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و بر ایمان زند

امر هم شوری برای آن بود

کز تشاور سهو و کژ کمتر رود

این خردها چون مصابیح انورست

بیست مصباح از یک روشنتر است (مولوی)

با چه کسانی مشورت نکنیم؟ علی(ع) در توصیه خویش به فرماندار بصره، او را از مشورت با چند گروه برحذر می‌دارد: «ولا تدخلن فی مشورتک بخيلا يعدل عن الفضل ويعدك الفقر ولا جبانا يضعفك عن الامور ولا حريصا يزبن لك الشره بالجور فان البخل والجبن والحرص غرائز شتى يجمعها سوء الظن بالله^{۳۴}؛ بخيل را در مشورت خود دخالت نده که تو را از بخشش [و نیکوکاری] باز می‌دارد و به تو وعده تنگدستی می‌دهد. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده که در [انجام] کارها [روحیه] تو را سست می‌کند و حریص را [در مشورت کردن دخالت نده] که حرص را با ستمکاری در نظرت زینت می‌دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرائز گوناگونی هستند که ریشه آن‌ها بدگمانی به خدای بزرگ است.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۱۱. برنامه عمل با نظم و برنامه ریزی: اولیای بزرگ اسلام، رعایت نظم و برنامه ریزی در کارها را از جمله مهم‌ترین مسائل در زندگی انسان شمرده، آن را مورد تاکید قرار داده اند. علی (ع) در ضمن وصیت خود، خطاب به حسن و حسین علیهما السلام می‌فرماید: «اوصیکما وجميع ولدی واهلی ومن بلغه کتابی بتقوی الله ونظم امرکم؛ شما و همه فرزندانم و هر کس که نامه ام به او می‌رسد را به ترس از خدا و نظم در کارهایتان سفارش می‌کنم.» (همان، نامه ۴۷).

برای هر انسانی شایسته است در همه کارهای زندگی برنامه منظمی داشته باشد تا بتواند از عمر خویش بهترین بهره را ببرد. یکی از نشانه‌های نظم این است که انسان اوقات شبانه روز را بر نیازمندیهای خویش تقسیم کند و زیر بنای زندگی را که نظم است، محکم‌تر سازد و از بی‌نظمی که ضایع کننده عمر و بر باد دهنده استعدادهاست، دوری کند. علی (ع) در این باره می‌فرماید: «للمؤمن ثلاث ساعات، فساعة یناجی فیها ربه وساعة یرم معاشه وساعة یرم لذتها فیما یحل ویجمل. ولیس للعقل ان یکون شاخصا الا فی ثلاث، مرمة لمعاش او خطوة فی معاد او لذة فی غیر محرم؛ برای مؤمن [در شبانه روز] سه ساعت [و زمان] وجود دارد، زمانی که در آن با پروردگار خویش مناجات می‌کند و زمانی که هزینه زندگی را تأمین می‌کند و زمانی برای واداشتن نفس به لذتهایی که حلال و مایه زیبایی آن است. خردمند را نشاید جز آن که در پی سه چیز شاخص باشد، تأمین زندگی یا گام نهادن در راه آخرت یا [به دست آوردن] لذتهای حلال.» (همان، حکمت ۳۹۰)

نظم و برنامه، سامان‌دهنده زندگی و وسیله‌ای برتر برای رسیدن به اهداف بزرگ است. با برنامه ریزی صحیح در زندگی می‌توان ساعات عمر را پربار و از اتلاف عمر جلوگیری کرد، بهره‌گیری از زندگی یکی از میوه‌های نظم و برنامه‌ریزی است.

علی (ع) با توجه به تاثیر نظم در نتیجه بخشی کارها، بر انجام امور روزانه در وقت خود به مالک اشتر سفارش می‌کند که: «وامض لكل یوم عمله فان لكل یوم ما فیه؛ کار هر روز را در همان روز انجام ده [و آن را به روز بعد موکول مکن] زیرا برای هر روز کار خاصی است [که مجال انجام عقب افتادگی‌ها را نمی‌دهد].» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

۳. نتیجه‌گیری

بر اساس آموزه‌های علی(ع) توسعه جامعه نه صرفاً با تکیه بر تلاش‌های مادی و نه صرفاً با باورهای معنوی، بلکه در پیوند متوازن میان ایمان، اخلاق، کار و برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد. هر انسانی با بهره‌گیری از توفیق الهی، تقوا، استفاده از فرصت‌ها و همت بلند می‌تواند به جایگاه مطلوب دست یابد. این مسیر، زمانی کامل می‌شود که فرد در کنار خانواده‌ای استوار، دوستان صالح، تجربه اندوزی و مشورت با خردمندان قرار گیرد. از منظر علی (ع) موفقیت فردی و توسعه جامعه تنها در سایه تلفیق ایمان، اخلاق، تلاش و عقلانیت تحقق می‌یابد. این آموزه‌ها نه صرفاً به عنوان میراثی تاریخی، بلکه به عنوان رهنمودهایی زنده

برای امروز قابل بهره برداری هستند. تقوا و وجدان کاری، بهره گیری درست از فرصت‌ها، و مشورت با صاحبان تجربه می‌تواند فرهنگ سازمانی را ارتقا دهد و زمینه ساز تصمیم گیری‌های خردمندانانه در سطح ملی گردد.

به همین ترتیب، توجه به خانواده به عنوان نخستین کانون تربیت، تقویت سرمایه اجتماعی از طریق دوستی‌ها و شبکه‌های سالم، و ترویج نظم و برنامه‌ریزی در زندگی فردی و اداری، می‌تواند بخشی از مشکلات جامعه را کاهش دهد. اگر این مولفه‌ها در آموزش، مدیریت شهری، سیاستگذاری اقتصادی و روابط اجتماعی نهادینه شوند، جامعه می‌تواند الگویی از توسعه پایدار و درونزا ارائه دهد؛ الگویی که هم بر ارزش‌های دینی و فرهنگی استوار است و هم به نیازهای واقعی زمان پاسخ می‌دهد.

از سوی دیگر، جامعه‌ای که بر پایه این اصول بنا شود، بسوی توسعه پایدار گام برمی‌دارد. نظم، برنامه‌ریزی، عدالت و همراهی مردم با یکدیگر، نه تنها بنیان‌های توسعه را استوار می‌کند، بلکه روح اخلاقی و انسانی جامعه را نیز تعالی می‌دهد. بنابراین، تعالیم علی (ع) می‌توانند به‌عنوان نقشه راهی جاودان، الگویی عملی برای رشد فرد و توسعه جامعه در هر زمان و مکانی باشند.

منابع

- بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۹۴، حدیث ۳۴.
- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۲، ارشاد مفید، ج ۱، ص ۳۰۰.
- بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۱۲، نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.
- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۰۳، ح ۳۳.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). فرهنگ پیرو / پیشرو، تهران: علمی و فرهنگی.
- حسینی سعیدی، سید ابراهیم (۱۳۸۰). علی (ع) آئینه حق‌نما (۳-۱)، چاپ دوم، انتشارات احرار تبریز، ۱۱۳۸ ص.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۴). تفسیر المیزان، جلد ۲۰، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۵). المیزان فی تفسیر قرآن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- کافی، ج ۲، ص ۴۶۰، ح ۲.
- غرر الحکم، شماره ۴۰۰۲، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۶، چاپ اول.
- رضی، سید شریف (۱۳۸۸). نهج البلاغه، ترجمه: حسین، استاد ولی، چاپ ششم، انتشارات اسوه، زمستان، ۱-۵۶۰.
- رضائی، حمید؛ سهراب، اسلامی و حسین، خسروی (۱۴۰۰). تحقق توسعه اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع) با تأکید بر نهج البلاغه، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، شماره ۳، پاییز، ۱۳۳-۱۴۹.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار، جلد های مختلف، تهران: اسلامیه.
- ملکی، حسن؛ فخرالسادات، هاشمیان؛ و جواد، آقامحمدی (۱۳۹۴). راهبردهای توسعه فرهنگی از دیدگاه امام علی (ع): ابعاد و مولفه‌ها، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۴، شماره ۲، پاییز: ۹-۳۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مجموعه آثار، جلد ۱۵، تهران: صدرا.
- مصباح الشریعه، ص ۱۵۲، الباب الثانی والسبعون فی المشاوره.
- مرد نامتناهی، ص ۱۰ در انساب الاشراف ج ۲: ۱۲۱.
- نظریور، محمدتقی (۱۳۷۸). ارزش‌ها و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شعراي معاصر و اعصار گذشته از جمله پروین اعتصامی، شهریار، مولوی، حافظ، ناصر خسرو و این یمین

لینک ۲ <https://esfahlan.com/blog/learn-success-from-imam-ali/&hawzah>